

اساسی‌ترین راه خالص کردن نیت

عرض کردیم اولین و بزرگترین حق خداوند بر انسان این است که او را عبادت کند. مطالبی که در این باره لازم بود عرض کردیم؛ گفتیم مهم‌ترین شرط عبادت اخلاص است. درباره حقیقت اخلاص هم نکاتی عرض کردیم. گفتیم اخلاص در واقع به نیت برمی‌گردد؛ حقیقت اخلاص در نیت انسان تبلور پیدا می‌کند و این تنها مربوط به حین العمل نیست، بلکه بعد العمل را هم در برمی‌گیرد. گفتیم نیت آنقدر اهمیت دارد که در برخی روایات وارد شده که «خیرٌ من عمله» یا «النّیة افضل من العمل»، اصلاً نیت اگر ناقص باشد عمل ناقص است؛ اگر کامل باشد، عمل کامل است. به تعبیر بزرگان نیت فصل محصل عمل است. نیت نسبت به عمل مثل روح نسبت به بدن است. ما می‌گوییم اشیاء یک جزء مادی دارند و یک جزء صوری. اگر عمل جزء مادی حقیقت عمل باشد، نیت جزء صوری آن است. نسبت روح به بدن چگونه است؟ هم روح باید باشد و هم بدن؛ بدن مرکب روح است؛ نه روح بدون بدن می‌تواند در این عالم باشد و نه بدن بدون روح، ولی اساس، روح انسان است. اینکه پیامبر(ص) می‌فرماید: «نِیة المؤمن خیرٌ من عمله»<sup>۱</sup>، منظور همین است؛ «نِیة المؤمن خیرٌ من عمله» یعنی نیت یک جزء است، عمل یک جزء است؛ لکن نیت جزء صوری و ملکوتی عمل است و خود عمل جزء مادی مُلکی است. این ظاهری که ما می‌بینیم جزء مادی است، اما نیت جزء صوری و ملکوتی است. حقیقت عمل با نیت شکل می‌گیرد؛ اگر نیت صحیح باشد، این عمل صحیح و کامل است؛ اگر نیت خراب شود، طبیعتاً عمل هم مشکل پیدا می‌کند.

اینکه در ادامه دارد «ألا إن النّیة هی العمل»، اساساً عمل همان نیت است، این برای آن است که اعمال فانی در نیات هستند، اعمال استقلال ندارند؛ اگر این دو جزء را با هم در نظر بگیریم، جزء رئیسی نیت است؛ عمل در واقع یک جزء غیر استقلالی است، عمل بدون نیت هویتی ندارد.

آیه «کلّ یعمل علی شاکلته» خودش نکته بسیار مهمی در آن است. اگر می‌خواهیم خلوص در عبادت پیدا شود، هم‌اَش به نیت برمی‌گردد. نیت چگونه از آلودگی‌ها پاک می‌شود؟

علمای اخلاق گفته‌اند تنها راه تخلص از ناپاکی‌ها و آلودگی‌ها، اصلاح نفس و ملکات نفسانی است. امکان ندارد نیت انسان بدون اصلاح نفس اصلاح شود. ما می‌گوییم نیت یعنی قربة الی الله کارش را انجام دهد. آیا به صرف اینکه بگوییم قربة الی الله و اینکه برای خدا انجام می‌دهم، این بدون اینکه نفس اصلاح شود ممکن است؟ تا مادامی که انانیت و خودخواهی محور زندگی ما باشد، خلوص معنا ندارد. نمی‌خواهیم ناامیدانه حرف بزنیم ولی امکان ندارد بین خودخواهی و خلوص جمع شود؛ من مراتب بالای اخلاص را نمی‌خواهم بگویم. در این مراتب حتی اگر کسی به دنبال کسب کمالات برای خودش باشد و

۱. کافی، ج ۲، ص ۸۴، ح ۲.

بخواهد خودش کامل شود، باز این یک نحوه خودخواهی است و نشان می‌دهد هنوز خلوص در مرتبه عالی برای انسان حاصل نشده است. خلوص یعنی اینکه فقط خدا را ببیند و لاغیر؛ حتی در مسیر کمالات معنوی خودش را هم نبیند. این از دسترس ما خیلی دور است.

برخی از بزرگان، از جمله امام(ره) که در کتاب شریف چهل حدیث و در اسرار الصلاة در مورد اخلاص مطالب بسیار سودمندی دارند، (این هم البته از اساتید و بزرگانشان اخذ شده)، در مورد آیه «کل يعمل علی شاکلته» می‌گویند ملکات شاکله اولیه نفس است؛ نیت شاکله ثانویه نفس است و اعمال تابع اینهاست. یعنی اگر اعمال را به ظاهرشان ببینیم، این تابعی از نیت است؛ نیت شاکله نفس است ولی شاکله ثانویه است. خود نیت بر یک شاکله دیگری استوار است و آن هم ملکات نفسانی است. یعنی شاکله اولیه نفس، بنیان همه کارهای انسان است. اگر این ملکاتی که در انسان است، ملکات فاضله، اخلاق فاضله باشد، نیت‌ها هم به عنوان شاکله ثانویه رنگ و بوی دیگری پیدا می‌کند و طبیعتاً عملی که تابع نیت بنا شده بر ملکات اخلاقی فاضل باشد، خیلی فرق می‌کند.

پس ریشه همه چیز در نیت، اصلاح باطن است. اگر می‌خواهیم واقعا عمل ما خلوص پیدا کند، آن خلوصی که امام سجاد در این عبارت می‌فرماید، آن خلوص چگونه حاصل می‌شود؟ بنشینیم با خودمان بگوییم من واقعا این را برای خدا انجام بدهم؛ به خودمان تلقین می‌کنیم؛ خیلی خب این تلقین برای آن لحظه یک تصویری در ذهن ما ایجاد می‌کند ولی آن غایات اخیره باعثه بر عمل ما، خیلی مهم است. گفتیم نیت اراده باعثه بر عمل است؛ یک وقت آدم گاهی پیش خودش هر چه فکر می‌کند می‌بیند قصد غیر خدا ندارد. بله، در غایات ابتدایی و اولیه عمل فکر می‌کند خلوص دارد ولی غایات متوسطه و اخیره را که نگاه می‌کند، لایه‌های زیرین برانگیزاننده او به سوی عمل را وقتی مورد کنکاش قرار می‌دهد می‌بیند مقاصد دیگری در کار است. آدم خودش این را بهتر از همه می‌فهمد و آنجا معلوم می‌شود که واقعا پای خود در میان است یا خدا.

پس مهم‌ترین نکته در باب خلوص این است. ما اینجا خیلی می‌توانیم درباره آثار اخلاص، آفاتی که برای اخلاص وجود دارد، نشانه‌های اخلاص، آثار اخروی اخلاص، بحث کنیم ولی قرار نیست فقط در همین بحث بمانیم. فکر می‌کنم ریشه‌ای‌ترین و کلیدی‌ترین نکته در باب اخلاص این است که ما اولاً حقیقت اخلاص را بشناسیم که ما این را اجمالاً بیان کردیم. ثانیاً طریق تخلیص اعمال را یاد بگیریم که چگونه می‌توانیم عمل‌مان را خالص کنیم. تنها راه، اصلاح ملکات نفسانی است؛ چون این شاکله اولیه نفس و سازنده نیت است که خود شاکله ثانویه نفس است. و این در واقع به اعمال ما جهت و روح می‌دهد. لذا خلوص بدون تغییر آن شاکله اولیه نفس امکان ندارد.

پس تا اینجا دو نکته بیان شد، یکی اینکه حقیقت اخلاص چیست و دوم اینکه چگونه می‌توانیم خلوص پیدا کنیم که این خودش دریایی از مطالب دارد که ما چگونه می‌توانیم شاکله اولیه نفس و ملکات‌مان را اصلاح کنیم. ثالثاً توجه داشته باشیم

که اخلاص تنها حین عمل نیست؛ اخلاص بعد العمل مهم تر است از اخلاص حین العمل. این نکته را بیان خواهیم کرد و از این فراز عبور می‌کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»